

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

خاص تر شدن

برای خدا

تلاشی در فهم سوره مبارکه معارج

کاری از:

مدرسه دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

کتابی برای

تولید جریان‌های زیبا و اثرگذار

در ارتقای گوهر وجود و دریافت حقایق

که تنها با ملاقات با خدا حاصل می‌شود.

فهرست مندرجات

نامهای از پدر	۴
مقدمه	۶
نگاه اول، شکل یک انسان وارونه		
پرده اول، شروع یک داستان	۱۴
پرده دوم، تمایل به درد و رنج	۱۸
پرده سوم، نا آشنا با اوج گرفتن	۲۱
پرده چهارم واقعیت ولی دردناک	۲۴
نگاه دوم، شکل یک انسان راست قامت		
پرده اول، واقعیت ولی سازنده	۳۱
پرده دوم، بیرون آمدن از پوسته	۳۴
پرده سوم، پرواز یک انسان	۳۷
نگاه سوم، جامعه راستقامت ها و وارونه ها		
پرده اول، آفت وارونگی	۴۴
پرده دوم، فکرهای وارونگان	۴۷
پرده سوم، ضرورت دور شدن از وارونگان	۵۰
پرده چهارم، پرهیز از ذلت وارونه شدن	۵۳
ملاحظات پیرامون روش اجرا	۵۶

نامه‌ای از پدر^۱

پایبند امر نماز شوید، و بر آن محافظت نمایید، و آن را زیاد بخوانید، و به وسیله نماز به خدا تقرّب جوید، زیرا بر مؤمنین امری واجب در اوقاتی معین است. آیا پاسخ اهل عذاب را نشنیدید زمانی که از آنان پرسیده می‌شود: «چه چیز شما را به جهنّم آورد؟ می‌گویند: از نمازگزاران نبودیم؟! نماز همچون ریخته شدن برگ درخت، گناهان را می‌ریزد، و همچون بندی که باز گردد بند گناهان را می‌گشاید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه انسان باشد و شبانه روزی پنج نوبت خود را در آن بشوید تشبیه کرده است، که آیا چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی خواهد ماند؟ از مردم مؤمن حق نماز را آنانی شناختند که زیبایی متاع دنیا، و مایه چشم روشنی از فرزندان و اموال آنان را به خود مشغول نکرده.

خداوند سبحان می‌فرماید: «مردانی که آنان را تجارت و داد و ستد از ذکر خدا و به پا کردن نماز و ادای زکات باز نمی‌دارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله با اینکه مژده بهشت را از خداوند دریافت بود خود را برای نماز به زحمت می‌انداخت، به خاطر اینکه خداوند به او فرموده بود: «اهل خود را به نماز امر کن، و نسبت به آن شکبیا باش». آن حضرت اهلش را به نماز امر می‌فرمود، و خود نیز در به پا کردن آن شکیبایی به خرج می‌داد.

آن گاه نماز همراه زکات، برای اهل اسلام وسیله قرب به خدا قرار داده شده، کسی که زکات را از روی رغبت ادا کند برای او کفّاره از گناه، و مانع و سپر عذاب خواهد بود. انسانی که زکات می‌پردازد نباید خاطر به آن مشغول سازد، و به این علت اندوهی به دل راه دهد، زیرا کسی که آن را از روی بی‌میلی بپردازد و به اجری که از خود زکات برتر است امید داشته باشد به سنت پیامبر جاهل است، و در بردن پاداش مغبون، و در عمل گمراه، و حسرتش در پیشگاه حق طولانی خواهد بود.

سپس اداء امانت است، آن که امین نیست زیانکار است. امانت بر آسمانهای برافراشته، و زمین‌های گسترده، و کوههای بلند و استوار عرضه شد، در حالی که درازتر و پهن‌تر و بلندتر و بزرگتر از آنها نبود.

و اگر چیزی به خاطر طول و عرض و یا قدرت و عزّت از قبول امانت امتناع می‌ورزید هر آینه آسمان و زمین و کوه بود، اما از عقوبت ترسیدند، و آنچه را که موجود ضعیف‌تری چون انسان به آن نادان بود درک کردند «انسان ستمکار و نادان است».

^۱ خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه

آنچه بندگان در شب و روز خود انجام می دهند بر خداوند پاک مخفی نیست، به کار پنهان عباد آگاه و به علمش بر آن محیط است، اعضای شما شاهدان خدا بر شما، و اندامتان لشکر حق، و درونتان جاسوسان الهی هستند، و خلوتهای شما برای او آشکار است.

مقدمه

درد داشت، سختی می کشید، خسته بود، دیگر تحمل نداشت، با خود فکر م کرد چرا باید زندگی کند؟

گوش هایش از پند و اندرز پر بود، نیاز به طراوت و نشاط داشت و از آن مهم تر به چیزی که آرزوهایی که در سر می پروراند را به سرعت برایش محقق کند. رؤیاهای شیرینی که هر گاه به آن فکر می کرد آه حسرت بود که از او بلند می شد.

می دانست دنیا به این خوردن و خوابیدن نیست به همین دلیل هم بود که درد می کشید و ...

می دانست زندگی دارای لذت های دیگری است که خود را از آنها محروم می دید...

به این دلایل و به دلایل دیگر از خدا گلایه داشت، گاهی هم اعتراض. چون همه این مشکلات را از ناحیه او می دانست و به همین دلیل گاهی با او قهر می کرد.

چرا خداوند باید به انسان ها سختی را بچشانند و آنها را در درد و رنج قرار دهد؟

چرا برای همه وسعت ایجاد نمی کند که هر کدام به هر چه بخواهند همان موقع برسند؟

چرا...؟!

نمی دانست این همه چرا و این همه گلایه نشان دهنده یک نیاز واقعی است. نیاز به یک زندگی حقیقی نه زندگی سطحی و ظاهری.

زندگی که در آن محرومیت راه ندارد و هر آنچه خواسته می شود اجابت می شود.

نمی دانست که باید به چنین زندگی ای رسید و اساسا سؤال امتحان در آزمون بزرگ دنیا همین است. چه کسی می تواند از لا به لای این همه نداشتن ها و داشتن ها به داشتنی برسد که دیگر تمام نشود. خوشی که با اراده بیاید و دیگر نرود. ...

نمی دانست که هر سعی و تلاشی صورت پذیرد که چنین آرزوهایی را در دنیا محقق کند با مختصر آسیبی از بین می رود.

هیچ بنایی با اهلش روی زمین استوار نمانده است.

هیچ زندگی ای در این دنیا همیشگی نبوده است.

هیچ کسی نیامده که بماند و به هر چه بخواهد در این دنیا برسد.

هیچ جوانی جوانیش تا ابد نبوده است، روزی میان سال شده و روزی ...

بله! هر انسانی نیازمند به بقا و پایداری و زیبایی‌های حقیقی و رزق نیکو و ... است ولی اینها همگی مربوط به معنویت انسان است نه مربوط به جسمانیت او.

پس هر کس بپذیرد که انسان فقط این جسم نیست، نیاز به رزق معنوی را ضروری دانسته است.

و اگر بپذیرد دنیا محل گذر است، برای بلندمرتبه بودن جایگاه ابدی خود به قطع چاره‌اندیشی می‌کند.

طبیعی است که هر سختی و رنجی باید ما را به معنویت داشتن بیشتر سوق دهد. به داشتن انواع رزق ماورایی. به دستیابی به رضایت و خرسندی دائم،

کتاب حاضر در صدد است تا مرور بر یکی از سوره‌های زیبای قرآنی راز و رمز خروج از حرص‌ها و آرزوهای به نتیجه نرسیده را بررسی کند تا راز و رمز خارج شدن از سختی‌ها و رنج‌های دنیا برای افراد به خوبی ملموس شود.

چرا که هر کسی در دنیا آمده است وقتی دوران بلوغش را پشت سر می‌گذارد به مبارزه‌ای جدی با دشمنی قسم خورده دعوت می‌شود. در این مبارزه آبدیده می‌شود و هر روز به درجه‌ای از کمال می‌رسد.

مسابقه‌ای بر پا شده است تا هر کسی برای خالق خود خاص‌تر و خالص‌تر و خواستنی‌تر شود.

درس‌های کتاب از بخش‌های زیر تشکیل شده است که بهتر است مطابق آنچه در نظر گرفته شده کتاب مطالعه شود:

۱. آیه، ترجمه و تفسیر (ذیل نگاه‌های سه گانه)

در این بخش مطالب مربوط به آیه توضیح داده می‌شود و برخی از کلمات مهم نیز با زبان ساده تعریف می‌شود. می‌توان فهرستی از این کلمات و معانی آنها را در دفتری مجزا آورد. این کار موجب تقویت زبان قرآن و انس با قرآن می‌شود.

۲. دیده بانی، شناسایی؛

این قسمت توضیحی در باب موضوع است که بصورت داستان یا متنی در وصف درس مورد نظر مطالبی را بیان می‌کند.

۳. طراحی؛

در این بخش به مباحثه گروهی در رابطه با مباحث اصلی آیه اختصاص یافته است. سؤالاتی که ممکن است در این مباحثه پیش بیاید و یا متن‌هایی که ممکن است فکر کردن را سرعت دهد در این بخش آمده است. افراد پس از خواندن این بخش می‌توانند متنی به آن اضافه کنند و یا تمرینی در مورد مطالب آیه بگویند و یا نکته قابل توجهی در مورد آیه را که به یکدیگر می‌گویند در دفتر خود یادداشت کنند. مطالب حاصل از مباحثات مطالب سودمندی هستند که به عنوان تحقیق بیشتر در زمینه آیه، انس ما را با قرآن زیادتر می‌کند. در این صورت آیات را سطحی نمی‌خوانیم و در رابطه با آن مطالب بسیاری را یاد می‌گیریم. نوشتن این نکات در دفترچه‌ای می‌تواند قدرت ما را افزایش دهد.

۴. عملیات؛

در این بخش پس از مباحثه و گفتگوی جمعی در رابطه با آیه، برای اجرای محتوای آیه هر یک از اعضای گروه پیشنهادهایی ارائه می‌دهند.

محیط اجرای برنامه‌ها مدرسه، خانه، محله، گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی داخلی و خارجی مثل انواع انجمن‌های دولتی و غیردولتی، سازمان ملل، و ... می‌باشد.

در این صورت لازم است هر یک از اعضای گروه با توجه به نواقصی که در خود و اطراف خود می‌بینند پیشنهاد اجرای مطلب و نکته‌ای از آیه را در نظر آورند. در اصل در این قسمت کارکرد موضوع در رفع نواقص و مشکلات مورد واکاوی عملی قرار می‌گیرد.

۵. تصویر سازی و مستند سازی؛

پس از رسیدن به پیشنهادهای متعدد در اجرای مطالبی از سوره یکی از پیشنهادها و طرحها توسط اعضای گروه انتخاب شده و همگی سعی می‌کنند با اجازه مسئولین مربوطه آن را در مدتی معین اجرا کنند. نحوه اجرا نیز در قالب تصویر سازی و مستند سازی صورت می‌گیرد. با دیدن انواع انسان‌ها و جوامع وارونه و ثابت قدم، در عرصه عمل به تولید می‌پردازند.

ممکن است در طرح انتخاب شده مشارکت همه اعضای یک مدرسه یا یک مسجد و یا بخشی از آن باشد که در این صورت اعضای گروه باید دیگران را برای اجرای طرح خود قانع کنند و بودجه لازم و یا هزینه‌های اجرا نیز محاسبه و برای آن پیش‌بینی داشته باشند.

پیش‌بینی اجرا در زمان مشخص بسیار مهم است و افراد را با تجربه می‌کند. از همه مهم‌تر سعی در عمل کردن آیات آن هم به صورت جمعی و مشارکتی، قلب‌ها را بسیار نورانی می‌کند. در این صورت افراد زندگی خود را عرصه جهاد در راه خدا کرده‌اند.

۳. شعار اجرای برنامه: هر برنامه‌ای که مورد توجه گروه قرار می‌گیرد دارای شعاری است. این شعار با استفاده از روایات نهج البلاغه انتخاب شده و برای همه گروه‌ها یکسان است زیرا روح کلی همه برنامه‌ها عمل به آیات مشخصی است.

نگاه اول، شکل یک انسان وارونه

«مگر می شود کسی مراقب چپه شدن ش نباشد!»

سوره معارج	سورة المعارج
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
سؤال کننده‌ای [از کفار] عذابی حتمی را درخواست کرد. (۱)	سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)
که مخصوص کافران است و دفع کننده‌ای ندارد. (۲)	لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)
و از جانب خدای صاحب درجات است. (۳)	مِنَ اللّٰهِ ذِی الْمَعَارِجِ (۳)
فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند. (۴)	تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ اِلَيْهِ فِی یَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِیْنَ اَلْفَ سَنَةٍ (۴)
پس صبری زیبا پیشه کن. (۵)	فَاَصْبِرْ صَبْرًا جَمِیلاً (۵)
همانا آنها آن [روز] را دور می‌بینند. (۶)	اِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیْدًا (۶)
و ما نزدیکش می‌بینیم. (۷)	وَ نَرَاهُ قَرِیْبًا (۷)
روزی که آسمان چون فلز گداخته شود. (۸)	یَوْمَ تَكُوْنُ السَّمٰوٰتُ كَالْمُهْلِ (۸)
و کوه‌ها چون پشم زده شده [متلاشی] گردد. (۹)	وَ تَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)
و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی [حال] نپرسد. (۱۰)	وَ لَا یَسْئَلُ حَمِیْمٌ حَمِیْمًا (۱۰)
دوستان صمیمی به آنها نشان داده می‌شوند، [ولی هر کسی گرفتار کار خویش است. (۱۱)]	یُبَصَّرُوْنَهُمْ یَوْمَذُ الْمُجْرِمِ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذَابِ یَوْمِئِذٍ بَبْنِهِ (۱۱)
و [نیز] همسر و برادر خود را. (۱۲)	وَ صَاحِبَتِهِ وَ اَخِیهِ (۱۲)
و اقوامش را که به او پناه می‌دادند. (۱۳)	وَ فَصِیْلَتِهِ الَّتِی تُوْوِیْهِ (۱۳)
و هر که را که در روی زمین است همه را [عوض می‌داد]	وَ مَنْ فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا ثُمَّ یُنْجِیهِ

(۱۴) و آن‌گاه خود را [از عذاب] می‌رهانید. (۱۴)	
نه، هرگز [نجاتی در کار نیست]. همانا آن آتشی شعله‌ور است. (۱۵)	كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْي (۱۵)
برکننده‌ی پوست سر و اندام است. (۱۶)	نَزَّاعَةً لِّلشَّوْی (۱۶)
فرا می‌خواند هر که را پشت کرده و [از دعوت حق] روی برتافته، (۱۷)	تَدْعُوا مَن أُدْبِرَ وَ تَوَلَّى (۱۷)
و [مال] گردآورده و ذخیره نموده است. (۱۸)	وَ جَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

آیه، ترجمه و تفسیر (دمی با آیات)

خدای متعال از آنجا که رحمان است رحمتش شامل همه بندگان شده و آنها را از انواع نعمتها بهره مند ساخته و از آنجا که رحیم است می‌خواهد همه آنها را هدایت کند. او خدای رحمان رحیم است پس برای هر نعمتی که به انسان داده کارکردی تعریف کرده تا به درد هدایتش بخورد. از این رو مقاماتی عالی نزد او هست که همه بندگان با شرایطی می‌توانند به این مقامات صعود کرده و دست یابند. به همین دلیل هم هست که به او خدای «ذی المعارج» گفته می‌شود. «ذی» به معنای داشتن و «معارج» جمع «معرج» است و به معنای همین مقامات عالی و رفیع است که روز قیامت نه تنها انسانها بلکه ملائکه و روح هم به آن عروج می‌کنند. بنابراین خدا که نام خود را «ذی المعارج» گذاشته اراده کرده است که تمامی بندگان مراحل بلوغ را به گونه ای طی کنند که درجات قرب به او را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و در هر مرتبه از نورانیت ویژه ای بهره مند شوند.

اما رسیدن به هر چیز باارزشی بهایی دارد که باید پرداخت. چه آنچه می‌خواهیم به آن برسیم افقی مادی باشد چه معنوی. چه کم چه زیاد. بهایی دارد که متناسب با همان نقطه اوجی است که برایش تعریف شده مخصوصا اگر خدا آن بها را تعیین کرده باشد که خیلی دقیق هم تعیین شده و مثلا مثل خیلی از افق های مادی نیست که وقتی به آن برسی حس کنی ارزشش را نداشت که اینهمه تلاش و خستگی و بی خوابی و ... را تحمل کنی. مهم ترین شرط دستیابی به این مقامات عالی نزد خدای ذی المعارج، ایمان به آنهاست. ایمان محرک عمل است. عملی که بهای آن افق بلند و الهی باشد.

اما «کافر»، آن کسی که حق را رد کرده و به آن بی اعتناست، کفرش به گونه ای جلوی دیدگانش را گرفته که وقتی از آن افق بلند و ارزشش می شنود آن را باور نمی کند بهانه جویی می کند و آخر کار از آن رویگردان می شود و حتی وقتی او را از عواقب جبران ناپذیر و حتمی کفر به آن حقیقت نیز برحذر می دارند آن را هم انکار می کند. او نه حق را حق می بیند و نه عذاب کفر به آن را عذاب. او می پندارد که خوشبختی همان چیزهایی است که دارد و با مال و خانواده و عشیره و فامیلش می تواند به همه چیز برسد و نیازی به رسیدن به مقامات عالی نزد خدای ذی المعارج را ندارد و اصلاً آنها را باور نمی کند. بنابراین استفاده از مال و دارایی و فرزندانش به گونه ای است که خود تعریف می کند نه آن طور که حق است. و همین تعاریف است که مبنای عمل اوست.

تعاریف او اشتباه است چرا که نمی داند حقایق زیادی هست که او نمی بیند و باید آنها را باور کند و بر این باور عملش را هم تنظیم کند. مثل ملائکه که هستند ولی دیده نمی شوند. او منافعش را در مال و فرزند و فامیل دنبال می کند و این منافع را هم دست یافتنی و نزدیک می بیند. در مقابل زندگی اخروی و حقایق مربوط به آن را خیلی دور و غیر ممکن می پندارد. در صورتی که همانقدر که مرگ حقیقت دارد و به او خیلی نزدیک است قیامت هم به او نزدیک است. مخصوصاً که در قیامت همه چیز طور دیگری است. آسمانها، کوهها و از جمله روابط بین انسانها. هر چیز مادی به گونه ای دیگر تغییر می کند. حتی شب و روز هم در آنجا شکل دیگری دارد. آنجا آن مال و دارایی و خانواده و عشیره اش که فکر می کرده با آنها همه چیز دارد را می بیند اما این را هم می بیند که از آنها کاری ساخته نیست. او همه چیز را به خاطر منافعش و خواست خودش جمع کرده بود. حتی حاضر است به خاطر نجات خودش آنها را قربانی کند. همه عزیزانش را. همه دارایی اش را. اما بی فایده است. برای آن زندگی باید به گونه ای که مناسب است فکر و عمل می کرد. حتی از مال و فرزندش هم باید به گونه ای دیگر استفاده می کرد تا در آنجا به کارش بیاید. آن خود محوری که او داشت باعث نگون بختی اش شد. آن چه که باعث می شد همه چیز را برای خودش بخواهد و خودش هم نحوه استفاده از آن را تعیین کند. این خودی که به جای خدا نشسته بود کار دستش داد.

بنابراین آدمی زاد یا آنطور که باید باور و عملش را تنظیم کند، باور و عملش را تنظیم می کند و تا وقتی اینگونه است دائماً در حال ارتقا به کمال خویش است یا چون با خدایی کردن همه چیز را برای خودش می خواهد، نگاهش به همه چیز وارونه و اشتباه است؛ آنچه باید دور ببیند را نزدیک و آنچه باید نزدیک ببیند را دور می دیده و باور می کند، پس برعکس عمل کرده و با نادیده گرفتن و بی اعتنایی به حقایق غیر قابل انکار و بدیهی، دائماً در حال تنزل و نزدیک شدن به عذاب اجتناب ناپذیر جاودان به سر می برد.

پرده اول، شروع یک داستان

زندگی وقتی هیجان انگیز است که...

بسم الله الرحمن الرحيم

هر کاری شروع و پایانی دارد و البته فاصله بین این دو که می‌تواند زیاد یا کم باشد.

انسان‌ها دستشان برای شروع کارها باز تر است. آنها می‌توانند تصمیم بگیرند که اصلاً کاری را انجام بدهند یا نه! یا اگر انجام می‌دهند، از چه روشی و با چه کیفیتی بهره ببرند.

البته خیلی وقت‌ها شروع کارها دست خودمان است و می‌توانیم کاری را با اختیار خود آغاز کنیم اما ادامه یا پایانش دست ما نیست. به همین دلیل بیشتر آدم‌ها از نقطه شروع کارهایشان مسئول هستند و نسبت به آن وظیفه دارند که پاسخ بدهند.

بیشترین منفعت‌ها و البته ضررهای حاصل شده از کارهای انسان، به چگونگی شروع آن کارها ربط دارد. پس اگر کسی دوست ما باشد و بخواهد منفعتی به ما برساند یا دشمن ما باشد و بخواهد ضرری به ما وارد کند، بهترین جا برای انجام قصدش، شروع کارهای ماست.

شروع کارها خیلی هیجان‌انگیز است! شروع کارها، جای شناخت دوست و دشمن و محلی برای شناختن اهمیت و تأثیر آنهاست.

خدا دوست بندگانش است و شیطان دشمن بندگان خداست. بندگان از جانب خدا وظیفه دارند، هر کاری را با بسم الله الرحمن الرحیم شروع کنند؛ تا یادشان نرود که در کارها، از نقطه شروع تا پایان، باید به خدا و دستورات او توجه کرد. خداوند این توجه داشتن را راهی برای موفقیت آنها قرار داده است.

دشمن، بر خودش لازم می‌داند که ما را از سپردن شروع کارهایمان به خدا و دستوراتش، منصرف کند. او این غفلت را برای زمین خوردن ما ضروری محسوب می‌کند. پس بهترین راه مبارزه با دشمن، اهمیت دادن به شروع کارها و سپردن آنها به خدا و دستورات اوست. کسی که از شروع کارهایش غافل باشد و آن را به خدا و دستورات او نسپارد، کاری وارونه انجام داده است. یعنی به جای اینکه آن کار به نفعش باشد، به ضررش تمام می‌شود. کسانی که عمداً کارهای وارونه انجام می‌دهند، انسان‌های وارونه هستند. یعنی انسان‌هایی که نظرات خطرناکی می‌دهند، و باید از دوستی و مشورت با آنها پرهیز کرد، از نظر عقلی هم کارها و نظراتشان زیبایی ندارد، پس نباید از روش آنها استفاده کرد و الگو گرفت. آنها خیلی زود از پا در می‌آیند و سرنگون می‌شوند؛ پس نباید به عنوان تکیه‌گاه انتخابشان کرد.

در یک کلام، وارونه‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه، دشمنی هستند که می‌خواهد کارهای غلط انجام دهیم پس آدرس‌هایی که می‌دهند غلط است.

از وارونه‌ها و نظراتشان باید پرهیز کرد حتی اگر این نظر به ظاهر، نظر خودمان باشد که هر رأی و نظر از روی هوا و هوس وارونه است.

وجود نظرات وارونه نباید ما را بترساند و باعث شود کارهای خوب و جدید را شروع نکنیم. مبارزه با وارونگی هیجان انگیز است و شروع هر کاری جایی مناسب برای این مبارزه است.

طراحی (گفت و شنوهای دوستانه)

وارونگی انسان را به خدا نزدیک نمی کند. برای نزدیک شدن به خدا باید با وارونگی مبارزه کرد. یکی از مهم ترین دلایل وارونگی، بی توجهی به شروع کارهاست. با این حساب، انسان ها از ورودی هاست که وارونه می شوند.

پیدا کردن مهم ترین جاهایی که می تواند شروع را اصلاح نماید. اهمیت دارد. اگر انسان ها با توجه بیشتر، همه کارهایشان را با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می کردند، می توانست در عدم وارونگی بسیار مؤثر باشد.

اگر آدم ها می توانستند ابتدای روزشان را خوب شروع کنند، احتمالا تا پایان روز از آسیب وارونگی در امان بودند. شاید حضور در نماز جماعت صبح در مساجد بتواند به این کار کمک کند. چون وقتی انسان روزش را با نماز جماعت شروع کند، اثر این شروع خوب تا پایان روز خواهد ماند. کار دیگری که می توان انجام داد در مدرسه است. احتمالا می توان شروع بهتری داشت و از این شروع در جهت رفع وارونگی استفاده کرد

• خوب است دوستان کنار هم بنشینند و از اتفاقات زندگی شان با هم بگویند. از آن اتفاق هایی که اولش به چشم نمی آمده ولی الان که آن را تحلیل می کنند، اولش از آخرش مهم تر و نتیجه بخش تر است. بگویند هر کاری را چگونه شروع کردند، از کارهای بزرگ و کوچک، کارهایی که ثمر داده یا ناتمام مانده است. درست بوده یا اساسا اشتباه بوده است.

یکی از افراد هم یک دفترچه یادداشت بردارد (یا روی تخته کلاس) و همه صحبت ها را بنویسد.

انجام یک کار تا اتمام آن	چگونگی شروع کار	اگر چگونه شروع می شد، بهتر بود

عملیات (پیشنهاد فعالیت عملی در گروه)

با هماهنگی مسئولان مدرسه، برنامه ای را تنظیم می کنیم که نیم تا یک ساعت زودتر در مدرسه حضور پیدا کنیم و در نمازخانه به قرائت قرآن می پردازیم.

حلقه ای تشکیل می دهیم و هر کسی آیه ای را می خواند و اگر نکته ای از ترجمه آن به نظرش رسید، می گوید. تمهیدی می اندیشیم تا جلسه به صرف صبحانه ای مختصر ختم شود.

تصویب سازی و مستندسازی (انتخاب موضوع برای ثبت و اجرای آن در محدوده تعیین شده)

عکس هایی در سه گروه و عنوان بگیرید و طبقه بندی کنید و سعی کنید در هر عکس و فریم، نماد و عناصری که یادآور خداوند باشند را در نظر بگیرید:

گروه اول: عکس هایی که موضوع آنها صبح و شروع یک روز است.

گروه دوم: عکس هایی که موضوع آنها شروع هفته و روز شنبه و فعالیت و کارهای مخصوص به آن است.

گروه سوم: عکس هایی که مربوط به شروع انجام کارهایی می شود که در مناسبت ها یا برنامه هاست.

شعار اجرای برنامه

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسَانِ لِأَوْلِيَائِكَ وَأَخْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ؛..... إِنَّ أَوْحَشَتَهُمُ الْغُرْبَةُ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ وَإِنَّ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجُئُوا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ، عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ...^۲

خدایا تو با دوستان از همه انس گیرنده تری، و بر طرف کننده نیازهای توکل کنندگانی.... اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می کند، اگر مصیبت ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می برند، و روی به درگاه تو دارند، زیرا می دانند که سر رشته کارها به دست توست، و همه کارها از خواست تو نشأت می گیرد.

^۲ خطبه ۲۲۷